

تفسیر بصائرِ یمنی

کاستی‌ها و بررسی ویژگی‌های آوایی

۲۹۷-۳۱۶

چکیده: تفسیر بصائرِ یمنی از تفسیرهای فارسی ارزشمند و کهن قرآن است که در سده ششم هجری به دست قاضی معین‌الدین محمد بن محمود نیشابوری نوشته شده است. بخشی از این کتاب، در سال ۱۳۵۹، به تصحیح علی رواقی از سوی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسید؛ نزدیک به چهار دهه پس از آن، در سال ۱۳۹۸، متن کامل این تفسیر به تصحیح هم‌در چهار جلد از سوی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب چاپ شد. متأسفانه، در این تصحیح، تنها به واژه‌های کم‌کاربرد و نادر این کتاب پرداخته شده است و از بررسی دیگر ویژگی‌های آن چشم پوشیده شده است. این بی‌توجهی به جنبه‌های گوناگون به کاستی‌هایی در مقدمه و به تصحیح‌های قیاسی بی‌مورد در متن مصحح انجامیده است. هدف این نوشته شناسایی کاستی‌های مقدمه مصحح و شناساندن بهتر بصائرِ یمنی بود؛ از این روی، برخی از کاستی‌های مقدمه، از جمله جنبه تفسیر، ترجمه، قرائت قرآنی و شیوه تصحیح، به‌گونه‌ای مجمل، یاد کرده شد. همچنین، از میان جنبه‌های زبانی ناگفته این اثر، جنبه آوایی برگزیده شد و کوشیده شد تا ویژگی‌های درخور آن نمایانده شود.

کلیدواژه: تفسیر بصائرِ یمنی، معین‌الدین محمد بن محمود نیشابوری، تصحیح متن، ویژگی‌های آوایی، ترجمه‌های کهن قرآن

نیشابوری، محمد بن محمود، تفسیر بصائرِ یمنی،
تصحیح علی رواقی، تهران: مؤسسه پژوهشی میراث
مکتوب، ۱۳۹۸.

Commentary of Baṣāir Yamīnī: Shortcomings and a Study of Phonetic Features

Milad Bigdeloo

Abstract: The commentary of Baṣāir Yamīnī is one of the valuable and ancient Persian commentaries of the Qur'an that was written in the sixth century AH by Qāḍī Mu'inuddīn Mohammad bin Mahmūd Neyshābūrī. A part of this book was published in 1980, edited by Ali Ravaghi, by the publications of the Iranian Culture Foundation; Nearly four decades later, in 2009, the full text of this commentary, edited by Ali Ravaghi again, was published in four volumes by the Written Heritage Research Institute. Unfortunately, in this edition, only the less used and rare words of this book have been dealt with and other features of it have been neglected. This deficiency in various aspects has led to shortcomings in the introduction and unnecessary deductive corrections in the revised text. The purpose of this article is to identify the shortcomings of the corrected introduction and to better introduce the book; Hence, some of the shortcomings of the introduction, including the problems of interpretation, translation, Qur'anic readings, and the method of correction, were mentioned in a concise manner. Also, among the neglected linguistic aspects of this work, the phonetic aspect has been chosen, and an attempt was made to represent its appropriate features.

Keywords: Tafsīr Baṣāir Yamīnī, Mu'inuddīn Mohammad Ibn Mahmūd Neyshābūrī, text correction, phonetic features, ancient translations of the Quran

تفسير البصائر اليمينية، النواقص ومراجعة المميزات الصوتية
ميلاد بيكدلو

الخلاصة: بصائر يميني (= البصائر اليمينية) هو أحد التفاسير الفارسية القديمة القيمة للقرآن الكريم، وقد كانت كتابته في القرن السادس الهجري على يد القاضي معين الدين محمد بن محمود النيشابوري.

وقد صدر قسم من هذا الكتاب في سنة ١٣٥٩ بتصحیح علی رواقي مطبوعاً من قبل انتشارات مؤسسه الثقافة الإيرانية. وبعد ما يقارب الأربعة عقود. أي في سنة ١٣٩٨. طبع النص الكامل لهذا التفسير بتصحیح المصحح السابق نفسه وصدر في أربعة مجلدات من قبل مؤسسة تحقيق التراث المكتوب.

ومع الأسف، فإن هذا التصحيح قد اقتصر في مجته على مفردات الكتاب قليلة الاستعمال والنادرة، متغافلاً عن باقي خصائصه ومزاياه. وقد أدى هذا التغاضي عن الجوانب المختلفة إلى وجود النواقص في المقدمة وإلى تصحيحات استنتاجية لا موجب لها في نص المصحح.

والهدف من هذه المقالة هو تأشير نواقص مقدمة المصحح، والتعرف بصورة أفضل على البصائر اليمينية. ومن هنا، فقد تمت الإشارة إلى بعض نواقص المقدمة، التي من جملتها أنها تحدثت بصورة مجملة عن الناحية التفسيرية، والترجمة، والقراءات القرآنية، وأسلوب التصحيح.

كما أن من بين الأمور اللغوية التي لم تتم معالجتها في هذا الأثر هي الناحية الصوتية، حيث تم اختيارها وبذل الجهود في إظهار الخصائص المناسبة لها.

المفردات الأساسية: تفسير بصائر يميني (= تفسير البصائر اليمينية)، معين الدين محمد بن محمود النيشابوري، تصحيح النص، الخصائص الصوتية، ترجمات القرآن القديمة.

مقدمه

تفسیر بصائر یمینی کتابی نوشته قاضی معین الدین محمد بن محمود نیشابوری است. این کتاب ترجمه تفسیری کامل از قرآن، همراه با قصه های قرآنی، است که در سده ششم هجری نوشته شده است. بخشی از این کتاب، از سوره فاتحه تا آیه ۱۵۸ سوره آل عمران، پیش تر، به تصحیح علی رواقی از سوی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۹ به چاپ رسیده بود. این تصحیح بر پایه دست نویسی متعلق به «کتابخانه مرحوم نخبجویی» و دو دست نویس دیگر «ظاهراً متعلق به کتابخانه ای از کتب خانه های لنینگراد» انجام شده است (رواقی، ۱۳۵۹: هفت). مصحح در این چاپ از «ضبط موارد اختلاف نسخ» چشم پوشیده است (همان). نزدیک به چهار دهه سپس تر، در سال ۱۳۹۸، متن کامل این کتاب به تصحیح رواقی در چهار جلد و شمارگان ۵۰۰ نسخه از سوی میراث مکتوب چاپ شد.

این چاپ سه بخش کلان دارد. نخستین بخش آن مقدمه مصحح (نه-یک صد و سی وهفت) است؛ مصحح، در این بخش، نخست، در ۴ صفحه (نه-دوازده)، درباره نام این اثر، نام نویسنده آن و دیگر آثار او نوشته است. پس از این ها، در بخشی با عنوان «نگاهی به واژگان تفسیر بصائر» در نزدیک به ۱۰۰ صفحه، مصحح به بررسی واژه های این کتاب پرداخته است. در این بخش، معانی واژه های کم کاربرد این کتاب به دست داده شده است. همچنین، برای هر واژه، به گونه ای میانگین، ۲-۳ صفحه گواه از نوشته های دیگر آورده شده است. در بخشی دیگر، که علی صفری آق قلعه آن را نوشته است، از برخی ویژگی های دست نوشت های تفسیر بصائر یمینی یاد شده است. پس از مقدمه، متن مصحح بصائر، در ۲۲۴۴ صفحه، و در بخش سوم نیز نمایه های آن آورده شده است. بخش نمایه واژه های مستند، تعبیرهای کنایی و مثل واره ها، شعرهای عربی و فارسی، واژگان، اعلام و کتاب ها را در برمی گیرد. افزون بر این ها، برابرنهادهای فارسی قرآنی این اثر در دو سوبه (عربی-فارسی و فارسی-عربی) در پایان کتاب فهرست شده است.

در این تصحیح، ۱۱ دست نویس دست یاب و به کار گرفته شده است و از این میان، دست نویس شماره «۱۲۲۵۱» کتابخانه مجلس، مورخ ۶۸۰ هجری قمری، و دست نویس شماره «۳۵۸۴» کتابخانه ملی تبریز (دست نویس اساس تصحیح بنیاد فرهنگ)، مورخ ۶۸۱ هجری قمری، اساس قرار داده شده است (رواقی، ۱۳۹۸: یک صد و پانزده).

کاستی ها

همان طور که پیش تر گفته شد، بخش گسترده ای از مقدمه مصحح بررسی واژه های این کتاب است. چندین جنبه این اثر در مقدمه این تصحیح ناگفته و بررسی نشده مانده است که به برخی از آن ها در این نوشته اشاره می شود:

۱. این دو دست نویس را، در واقع، یک دست نویس باید دانست. دست نویس کتابخانه تبریز بخش دوم دست نویس کتابخانه مجلس است که به دست همان کاتب رونویسی شده است (رواقی، ۱۳۹۸، ج ۱: یک صد و یازده).

تفسیر: از آنجا که بصائرِ یمنی تفسیری از قرآن به شمار می‌آید، بایسته است که مذهبِ تفسیری نویسنده بررسی و، در صورت امکان، با دیگر تفسیرهای فارسی کهن، از دیدگاه‌های گوناگون سنجیده شود.

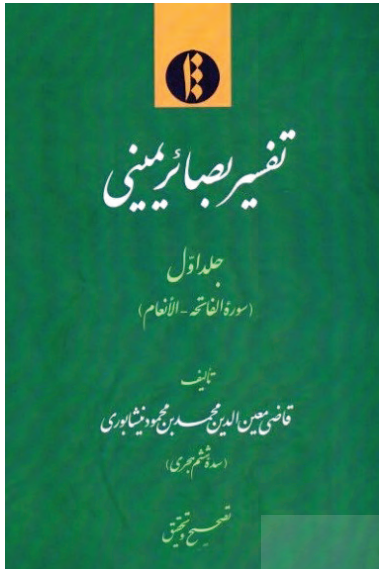
ترجمه: مصحح از ویژگی‌های ترجمه نیشابوری از آیه‌های قرآن سخنی به میان نیاورده است. می‌توان روش^۲ ترجمه نویسنده را بررسی کرد: این‌که توجه به و پیروی از نحو یا محور هم‌نشینی متن قرآن در ترجمه تا چه اندازه بوده است؛ تا چه اندازه نیشابوری در ترجمه خود از راهکارهایی^۳ بهره برده است تا ترجمه او، مطابق با هنجارهای زبان فارسی و از دید خوانندگان، روان^۴ یا خواننده^۵ آن آسان باشد؛ آیا توجه او به معانی نخست واژه‌ها بوده است، یا این‌که واژه‌ها را، به فراخور بافت^۶ آن‌ها برگردانده است؛ این‌که در برگردان نیشابوری از قرآن تا چه اندازه کوشش شده است تا از واژه‌های فارسی بهره گرفته شود. به این‌ها و دیگر جنبه‌های ترجمه‌ای بصائرِ یمنی در مقدمه پرداخته نشده است.

قرائات قرآنی: در مقدمه، به جنبه ضبط‌های واژه‌های قرآن در این کتاب، و در دست‌نویس‌های آن، پرداخته نشده است. مصحح به این مسئله نپرداخته است که نیشابوری از چه قرائت یا قرائاتی در اثر خود پیروی کرده است. همین‌بی‌توجهی به مسئله قرائات در متن مصحح نیز به چشم می‌خورد؛ نمونه‌هایی آورده می‌شود:

در بخش آیه ۳۰ سوره لقمان آمده است: «مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ... این بتان را که شما به خدایی می‌خوانید از دون او آن همه باطل است» (ج ۳: ۱۴۶۰-۱۴۶۱). در متن اصلی آیه، در دست‌نویس اساس این بخش یعنی دست‌نویس کتابخانه نخجوانی، «تَدْعُونَ» بوده است که مصحح آن را به حاشیه برده و «يَدْعُونَ» را، بر پایه قرائت رایج حفص از عاصم، در متن نشانده است. از متن ترجمه فارسی، یعنی «می‌خوانید»، پیدا است که درست همان «تَدْعُونَ» است. در این آیه و همچنین در آیه ۶۲ سوره حج، قرائت أبوعمر، حفص، حمزه، کسائی، یعقوب، خلف، یزیدی، حسن و أعمش به یاء و در خطاب به غیب، یعنی «يَدْعُونَ» و قرائت دیگران به تاء، یعنی «تَدْعُونَ»، در خطاب به ناگرویدگان است (بتا، ۱۴۰۷ هـ، ج ۱: ۲۷۸-۲۷۹؛ ابن سوار البغدادي، ۲۰۱۰ م: ۵۲۰). بنابراین، درست این بود که «تَدْعُونَ»، ضبط متن دست‌نویس اساس، در متن نگاه داشته شود.

در بخش سوره فاطر آمده است: «جَثَاثٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلِّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسَهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ» (ج ۳: ۱۵۵۲). قرائت این آیه در دست‌نویس اساس «لُؤْلُؤًا» بوده است، که مصحح

2. method
3. strategies
4. fluent
5. readability
6. context



آن را به حاشیه رانده است. در این آیه، نافع و عاصم و ابوجعفر «لؤلؤ» را به نصب و دیگران آن را به جر خوانده‌اند (بتا، ۱۴۰۷ هـ، ج ۱: ۳۹۷). از این روی، ضبط دست نویس نادرست نبوده است. در سوره زمر و در آیه ۲۹ نیز مصحح، به گمان خویش، «سالمًا» را نادرست دانسته و «سَلَمًا» را در متن نشانده است، در حالی که ضبط دست نوشت همساز با قرائت ابن کثیر و أبوعمر و یعقوب و در نقش اسم فاعل است (بتا، ۱۴۰۷ هـ، ج ۱: ۴۲۹).

همچنین: در آیه ۴ سوره محمد (ج ۳: ۱۷۸۷)، مصحح «قُتِلُوا»، قرائت رایج، را جایگزین «قَاتِلُوا» ضبط دست نوشت اساس کرده است.

در آیه ۱۸ سوره حجرات نیز ضبط دست نوشت، «يَعْمَلُونَ»، قرائت ابن کثیر (بتا، ۱۴۰۷ هـ، ج ۱: ۴۸۷) به حاشیه رانده و قرائت رایج، به یاء، جایگزین شده است.

در آیه ۸ سوره قمر (ج ۳: ۱۸۶۴) نیز ضبط دست نوشت «خَاشِعًا» به حاشیه برده شده است.

شیوه تصحیح: مصحح توضیح نداده است که، در تصحیح این اثر، چه روشی در پیش گرفته است و اصلاح و برگزیدن ضبط های دست نویس های دیگر بر چه پایه ای انجام شده است. همچنین، اشاره نشده است که مصحح کوشیده است تا رسم الخط دست نویس ها را حفظ کند یا آن را به شیوه امروزی برگرداند. یادکرد این گونه جزئیات تغییرات متن مصحح نسبت به متن دست نویس ها بایسته می نماید که مصحح از این امر چشم پوشیده است.

معرفی دست نویس ها: در بخش «دست نویس های تفسیر بصائر یمینی»، که در آن به معرفی ویژگی های دست نویس ها پرداخته شده، بایسته بود که ویژگی های رسم الخطی تک تک دست نویس ها، به گونه ای جداگانه، بررسی و نوشته شود، که مصحح بدین جنبه توجه نکرده است.^۷

ویژگی های زبانی: در مقدمه، مصحح، تنها به واژه های بصائر یمینی پرداخته، و همانند دیگر کارهای پیشین خود، انبوهی از شواهد برای تک تک واژه ها آورده است. پیدا است که زبان تنها به واژه ها محدود نمی شود و بایسته است که به ویژگی های دیگر مانند ویژگی های آوایی، صرفی و نحوی در تصحیح و بررسی اثری کهن پرداخته شود. توجه به جنبه های گوناگون زبان، افزون بر شناساندن بهتر اثر، در

۷. گفتنی است که در این بخش شماره نسخه «عکسی» دست نویس هایی که از کتابخانه مرکزی گرفته شده، در اختیار داده شده است: در حالی که این شماره ها، در اصل، شماره «میکروفیلم» آن ها است؛ برای نمونه، شماره ۳۲۷۹ دست نویس کتابخانه فاتح و شماره ۳۶۰۸ دست نویس موزه مولانا در قونیه، در اصل، شماره میکروفیلم این دست نویس ها است که در کتاب فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی (دانش پژوه، ۱۳۴۸، ج ۲: ۱۱۳، ۱۹۶) نیز مشخصات آن ها آورده شده است.

فرآیند تصحیح و به دست دادن متنی درست و نزدیک به نوشته نویسنده نیز بسیار سودمند است؛ برای نمونه، در بخشی از کتاب می خوانیم: «پس یکی را از ایشان بفرمای تا این کار بکند و دل مؤمنان را بدین سبب خوش کن» (ج ۳: ۱۹۸۲). ضبط دست نویس اساس «یکی را از ایشان را» بوده است که مصحح آن را به «یکی را از ایشان» اصلاح کرده است. این «را» به اصطلاح زائد تنها نه در این جمله، که در چند جای دیگر نیز به کار برده شده است:

«ایشان را بتان را می پرستیدند» (ج ۲: ۶۱۱)؛

«آنان که شما را ایشان را به خدایی می خوانید نتوانند که شما را یاری دهند» (ج ۲: ۶۴۳).

بنابراین، کاربرد «را» در «یکی را از ایشان را» نادرست نیست؛ بلکه، آن گونه که به نظر می رسد، یکی از ویژگی های زبانی نویسنده است که در دیگر بخش های کتاب نیز پدیدار است.

ویژگی های آوایی تفسیر بصائر یمینی

از میان ویژگی هایی که در معرفی اثر و در بخش مقدمه ناگفته مانده است یکی ویژگی های آوایی این کتاب است. در سراسر کتاب، و در دست نویس های آن، بسیار است واژه هایی که در آن ها، آوایی تحوّل پیدا کرده، حذف یا افزوده شده است. همچنین، در دل متن مصحح و در حاشیه های آن، چندین واژه مشکول به چشم می خورد که نمایان گر زبان روزگار و ناحیه زبانی نویسنده یا رونویسنده های این کتاب است. بهتر بود که این واژه ها، همراه با یادکرد دست نوشت آن، در بخش نمایه ها فهرست شود. مغفول ماندن این ویژگی های آوایی نگارنده را بر آن داشت تا این ویژگی ها را از سراسر این کتاب فراهم آورد و بررسی کند. برای برخی از نمونه ها، کوشیده شد تا نمونه هایی از دیگر نوشته ها نیز آورده شود. به برخی از ویژگی های دیگر مانند واژه های مشکول نیز در این نوشته پرداخته شد.^۸

افزودگی

⁹ | /a:/ +

پیغامبر ← پیغامبر (ج ۲: ۹۴۴ [مج حاشیه])؛

جوامردان ← جوامردان (ج ۲: ۱۰۵۰ [لن])؛

هر که را ← هر که (ج ۲: ۸۹۲ [مج حاشیه]).

⁵ | /æ:/ +

۸. از آن جا که هر یک دست نویس های این اثر ویژگی های خود را دارد، برای تک تک واژه ها و در تمام بازبردها، کوتاه نوشت دست نویس مربوط آورده شده است. این کوتاه نوشت ها مطابق کوتاه نوشت هایی است که مصحح در بخش «نشانه دست نوشت های تفسیر بصائر در متن» (رواقی، ۱۳۹۸، ج ۱: یک صد و هفده) برای دست نویس های این تصحیح برگزیده است.
۹. در سوی راست، آوانگاری بر پایه الفبای آوانگاری بین المللی (IPA)، و، در سوی چپ نیز، بازنمود نگارشی آن آورده می شود.

نژند ← نژنده^{۱۰} (ج ۳: ۱۹۲۷ [لن و فا]).

+ /t/ | ت

پس ← پست (ج ۳: ۱۹۰۱ [نخ (حاشیه)]).

+ /r/ | ر

دستار ← درستار^{۱۱} (ج ۳: ۱۴۹۵ [نخ (حاشیه)]);

دو ← دور (ج ۳: ۱۷۰۰ [نخ (حاشیه)]).

+ /n/ | ن

آفریدگار ← آفریدگان^{۱۲} (۵۰۱ [مج (حاشیه)]); انگستری ← انگستری^{۱۳} (ج ۱: ۴۴۱ [قو]; ج ۳: ۱۶۳۲ [لن]; ج ۳: ۱۶۳۳ [لن]); بشدند ← بشدند (ج ۳: ۱۸۱۶ [نخ (حاشیه)]); بگردانند ← بگردانند (ج ۳: ۱۴۳۸ [مج]); جایگاه ← جایگان^{۱۴} (ج ۲: ۹۴۹ [مج (حاشیه)]); دریاها ← دریاها (ج ۲: ۱۱۶۰ [مج]); نهالی ← نهالین (ج ۱: ۱۱۰ [قو]; ج ۳: ۱۸۸۵ [لن]; ج ۴: ۲۱۴۶ [لن]).

+ /yæ/، /ye/ | ی

راستای ← رایستای (ج ۱: ۴۹۳ [مج]).

حذف

- /ʔa:/ | آ

آراست ← راست (ج ۲: ۶۵۴ [مج (حاشیه)]);

آستانه ← ستانه^{۱۵} (ج ۴: ۲۱۵۰ [لن]).

۱۰. ضبط دست نویسی اساس این بخش، یعنی دست نویسی کتابخانه نخجوانی، «نژند» بوده است. دانسته نیست که این ضبط چرا به حاشیه برده شده است و ضبط دست نویسی لن و فا برگزیده شده است.
۱۱. برای افزودگی ʔ، بنگرید به: صادقی، ۱۳۸۴.
۱۲. نیز: «درست» به جای «دست» در فرهنگ صحیفه العذراء (۱۳۷۳: ۴۰۰).
۱۳. برای حذف و افزودگی n، بنگرید به: صادقی، ۱۳۸۳.
۱۴. در این نمونه، نخست، «ر» حذف و سپس، «ن» افزوده شده است.
۱۵. نیز در: حقایق (۱۳۹۷: ۶۵) و تاج التراجیم (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۲۷۸ [ضبط نسخه باد]; ج ۲: ۵۸۶ [ضبط نسخه باد]; ج ۲: ۹۴۳ [ضبط نسخه باد]).
۱۶. در این نمونه، نخست، های پایانی حذف و سپس «ن» افزوده شده است. نمونه چنین حذف و افزودگی در نوشته های دیگر نیز به چشم می خورد؛ مانند آرامگاه ← آرامگان (۳۴۵۴ [ضبط نسخه لی]) و شبانگاه ← شبانگان (۳۵۶۸ [ضبط نسخه کا]) در تفسیر سوراآبادی (سوراآبادی، ۱۳۸۱، ج ۵).
۱۷. برای حذف شدن آواها در جایگاه نخستین، بنگرید: صادقی، ۱۳۸۶.
۱۸. در این نمونه و نمونه پیشین، نخستین همخوان (ʔ) و واکنه پس از آن حذف شده است که این پدیده را «aphaeresis» می نامند (Crowley، ۱۹۹۲: ۴۰).

- /æ/ | ۱۹۱

اعرابیان ← عربیان^{۲۰} (ج ۲: ۷۳۴ [مج]).

- /b/ | ب

کتاب دانان ← کتادانان^{۲۱} (ج ۱: ۴۴۶ [مج]).

- /d/، /δ/ | د/ذ^{۲۲}

بستدیم ← بستیم (ج ۱: ۷۳ [مج])؛ پروردگار ← پرورگار^{۲۳} (ج ۲: ۵۷۹ [مج])؛ خردمندان ← خرمندان^{۲۴} (ج ۳: ۱۷۳۵ [نخ])؛ دارد ← دار^{۲۵} (ج ۳: ۱۹۶۴ [نخ])؛ درد ← در^{۲۶} (ج ۱: ۵۲۴ [مج])؛ سیزده ← سیز^{۲۸} (ج ۴: ۲۰۰۷ [نخ] حاشیه دست نوشت)؛ کرد ← کر^{۲۹} (ج ۳: ۱۹۰۱ [نخ])؛ گردبرگرد ← گربگرد^{۳۱} (ج ۳: ۱۷۸۰ [نخ])؛ نکرد ← نکر^{۳۲} (ج ۱: ۱۵۱ [مج])؛ نگرویده بودید ← نگرویده بودی (ج ۳: ۱۸۴۷ [نخ]).

- /r/ | ر^{۳۳}

استوارکار ← استواکار^{۳۴} (ج ۲: ۱۲۴۶ [مج])؛ برآورد ← برآود^{۳۵} (ج ۲: ۸۸۵ [مج])؛ بیاورد می ← بیاودمی^{۳۶} (ج ۱: ۱۴۴ [مج])؛ پرستار ← پستار (ج ۱: ۲۲۲ [لن])؛ در ← در^{۳۷} (ج ۱: ۱۳۰ [مج])^{۳۸}؛ ج

۱۹. برای حذف شدن آواها در جایگاه نخستین، بنگرید: صادقی، ۱۳۸۶.

۲۰. بنگرید به پانویس پیشین.

۲۱. مصحح، خود، در متن، «ب» را افزوده است.

۲۲. برای این حذف، بنگرید به: حاجی سیدآقایی، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۹.

۲۳. مصحح، خود، در متن، «د» را افزوده است.

۲۴. مصحح «د» حذف شده را از لن افزوده است.

۲۵. مصحح «د» حذف شده را از لن افزوده است.

۲۶. مصحح، خود، در متن، «د» را افزوده است.

۲۷. حذف /d/ در جایگاه پایانی واژه «درد» در کتاب‌های دیگر نیز به چشم می‌خورد؛ برای نمونه در ضیاء‌الشهاب (قضاعی، ۱۳۹۴:

۴۲۲) و یادگار (جرجانی، ۱۳۸۱: ۱۱۶ [ضبط نسخه ب]). و نیز: «الأمثن: آنکه مثناس در [=درد] کند» (الصحيفة العذراء، ۱۳۷۳: ۸۲۷).

۲۸. های غیرملفوظ این واژه هم، در این نمونه، به سان بیش‌تر واژه‌ها در دست‌نویس‌های این کتاب نوشته نشده است.

۲۹. مصحح، خود، در متن، «د» را افزوده است.

۳۰. این حذف، به فراوانی، در فرهنگ صحیفة العذراء (۱۳۷۳) بخ داده است؛ برای نمونه در صفحات ۲۴۶، ۲۴۷، ۱۵۳، ۲۶۲، ۳۵۵،

۳۷۳، ۴۶۹، ۶۳۴، ۶۳۸، ۶۵۶، ۶۸۱، ۶۹۲، ۷۲۳، ۷۵۶، ۷۶۵، ۷۹۱.

۳۱. مصحح «د» حذف شده را از لن افزوده است.

۳۲. مصحح «د» حذف شده را از لن افزوده است.

۳۳. برای حذف ر، بنگرید به: حاجی سیدآقایی، ۱۳۸۷.

۳۴. مصحح، خود، در متن، «ر» را افزوده است.

۳۵. مصحح، خود، در متن، «ر» را افزوده است.

۳۶. مصحح، خود، در متن، «ر» را افزوده است.

۳۷. نیز در: فرهنگ صحیفة العذراء (۱۳۷۳: ۱۰۲، ۲۱۱، ۲۷۱، ۲۸۶، ۳۶۰، ۴۶۲، ۵۱۸، ۵۴۷، ۶۲۰).

۳۸. مصحح «ر» حذف شده را از قوا افزوده است.

۳: ۱۴۶۸ [نخ] ۳۹؛ درگذشت ← درگذشت^{۴۰} (ج ۱: ۱۲۲ [مج])؛ دور ← دور^{۴۳} (ج ۱: ۲۶۱ [مج])؛ ج ۳: ۱۸۲۱ [نخ]؛ دینار ← دینا^{۴۴} (ج ۴: ۲۱۵۱ [نخ حاشیه دست نویس])؛ زینهار ← زینها^{۴۵} (ج ۲: ۹۸۷ [مج])؛ شمار ← شما^{۴۶} (ج ۲: ۱۰۱۱ [مج])؛ گرفتاری ← گفتاری (ج ۱: ۱۸۷ [مج حاشیه])؛ هزار ← هزا^{۴۷} (ج ۲: ۷۸۲ [مج]).

- /z/ | ز

آمرزنده ← آمرنده^{۴۸} (ج ۲: ۶۷۷ [مج]).

- /f/ | ف

اختلاف ← اختلا^{۴۹} (ج ۲: ۸۷۲ [مج])؛
خلاف ← خلا^{۵۰} (ج ۱: ۱۵۰ [مج]).

- /g/ | گ

برگزیده ← برزیده (ج ۲: ۱۱۰۰ [لی]).

- /m/ | م

سرنجام ← سرنجا^{۵۱} (ج ۲: ۶۰۶ [مج])؛
قدم ← قد^{۵۲} (ج ۱: ۴۵۵ [مج]).

- /n/ | ن^{۵۳}

ازان ← ازا (ج ۱: ۳۷۷^{۵۴}؛ ج ۴: ۲۱۷۴ [نخ])؛ ایشان ← ایشا (ج ۲: ۱۰۵۳ [مج]؛ ج ۳: ۱۹۱۹ [نخ])؛

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتنا جامع علوم انسانی

۳۹. مصحح، خود، در متن، «ر» را افزوده است.

۴۰. مصحح، خود، در متن، «ر» را افزوده است.

۴۱. نیز: «دنیاری» [=دنیاری] در فرهنگ صحیفه العذراء (۱۳۷۳: ۷۲۱).

۴۲. مصحح، در هر دو نمونه، «ر» حذف شده را از لن افزوده است.

۴۳. نیز در بخشی از تفسیری کهن به پارسی (۱۳۷۵: ۱۷۲ [حاشیه]).

۴۴. مصحح، خود، در متن، «ر» را افزوده است.

۴۵. مصحح «ر» حذف شده را از لن افزوده است.

۴۶. مصحح «ر» حذف شده را از لن افزوده است.

۴۷. مصحح، خود، در متن، «ر» را افزوده است.

۴۸. مصحح، خود، در متن، «ز» را افزوده است.

۴۹. مصحح «ف» حذف شده را از لن افزوده است.

۵۰. مصحح «ف» حذف شده را از قوا افزوده است.

۵۱. مصحح، خود، در متن، «م» را افزوده است.

۵۲. مصحح «م» حذف شده را از لن افزوده است.

۵۳. برای حذف و افزودگی n، بنگرید به: صادقی، ۱۳۸۳.

۵۴. مصحح «ن» حذف شده را از لن افزوده است.

ایمان ← ایما^{۵۵} (ج ۳: ۱۴۷۴ [نخ]); بریشان ← بریشا^{۵۶} (ج ۲: ۶۹۷ [مج]); بوسفیان ← بوسفیا^{۵۷}
(ج ۱: ۳۱۳ [مج]); پیغامبران ← پیغامبرا (ج ۳: ۱۶۲۵ [نخ]); جادوان ← جادوا (ج ۲: ۱۱۲۱ [مج]);
ستوران ← ستورا (ج ۳: ۱۹۰۱ [نخ]); فلان ← فلا (ج ۱: ۱۰۰ [مج]); کسان ← کسا (ج ۱: ۵۰۷ [مج]);
کسانیند [=کسانی اند] ← کسایند (ج ۱: ۲۶ [مج و لن]); مردمان ← مردما^{۵۸} (ج ۲: ۱۲۳۹ [مج]);
ناشناخته ← ناشاخته (ج ۴: ۱۳۱۰ [نخ (حاشیه)]); ندانستم ← نداستم (ج ۳: ۱۳۰۵ [نخ]); ندانسته
← نداسته (ج ۳: ۱۳۰۵ [نخ]).

ه | /h/ -

آنگاه ← آنگا^{۶۱} (ج ۳: ۱۸۱۵ [نخ]).^{۶۱}

ی | /i:/ -

کیمیا ← کیمیا^{۶۲} (ج ۳: ۱۳۹۳ [نخ (حاشیه)]).

دگرگشتگی

/a:/ ← /o:/ | /ā/ ← و

پباشاند ← بیوشاند (ج ۱: ۴۵۷ [مج]).

/æ/ ← /u:/ | َ ← و

بزمند ← بزومند^{۶۳} (ج ۳: ۱۸۱۶ [لن]).

/b/ ← /p/ | ب ← پ

باره ← پاره (ج ۳: ۱۹۱۱ [نخ (حاشیه)]);

برده ← پَزده (ج ۳: ۱۶۳۲ [نخ (حاشیه)]);

۵۵. مصحح، خود، در متن، «ن» را افزوده است.

۵۶. مصحح، خود، در متن، «ن» را افزوده است.

۵۷. مصحح «ن» حذف شده را از لن افزوده است.

۵۸. حذف «ن» پایانی در اسم های خاص دیگر نیز دیده می شود؛ برای نمونه: لقمان ← لقما (تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹: ۴۸۹).
سلیمان ← سلیمنا (سورآبادی، به نقل از حاجی سیدآقایی، ۱۳۸۹: ۲۱)، شیطان ← شیطا (الصحیفة العذراء، ۱۳۷۳: ۹۰).

۵۹. مصحح، خود، در متن، «ن» را افزوده است.

۶۰. مصحح، خود، در متن، «ه» را افزوده است.

۶۱. های غیرملفوظ نیز در بسیاری از واژه ها نوشته نشده است؛ برای نمونه: بزمند (ج ۳: ۱۷۶۲ [نخ]); بیهود (ج ۳: ۱۴۵۰ [نخ
(حاشیه)]); پوشید [=پوشیده] (ج ۲: ۱۲۶۳); روز [=روزه] (ج ۱: ۲۸۴); ناگروید [=ناگرویده] (ج ۲: ۱۲۳۹); همدان [=همه دان]
(ج ۱: ۴۷۱).

۶۲. «کیمیا»، بدین گونه، در مقامات ژنده پیل (غزنی، ۱۳۸۴: ۳۲۶ [بدل])، ترجمه قرآن موزه پارس (۱۳۵۵/۲۵۳۵: ۱۲۷) و
دست نویس کتابخانه فاتح قابوس نامه (به نقل از قاسمی، ۱۳۹۹: ۳۸) آمده است.

۶۳. نیز در: تفسیر قرآن کمبریج (۱۳۴۹: ۲۵۲)، شهاب الاخبار (میکروفیلیم شماره ۳۱۷۴: ۱۴۶ ب) و ترجمه تفسیر طبری (شماره
عکس ۶۲۳۱: ۲۴۱ ب).

بسندہ ← پسندہ^{۶۴} (ج ۴: ۲۰۹۸ [نخ حاشیہ])؛
بی باکی ← بی پاکی (ج ۱: ۴۶۷ [مج حاشیہ]) .

/b/ ← /f/ | ب ← ف

بیهوده ← فیهوده^{۶۵} (ج ۳: ۱۴۱۷ [لی]؛ ج ۴: ۲۰۶۶ [لن]؛ ج ۴: ۲۰۹۷ [لن]) .

/b/ ← /m/ | ب ← م

بفریبانند ← بفریمانند (ج ۱: ۲۷ [لن])؛ بفریبانید ← بفریمانید (ج ۲: ۵۶۵ [لن])؛ فریبانید ← فریمانید (ج ۱: ۱۵۱ [مج و لن])؛ می بفریباند ← می بفریمانند (ج ۴: ۲۰۶۵ [لن])؛ نفریباند ← نفریمانند (ج ۲: ۵۶۵ [لن])؛ نمی فریبانند ← نمی فریمانند (ج ۱: ۲۷ [لن])^{۶۶} .

/b/ ← /v/ | ب ← و

ببزار ← وبزار^{۶۷} (ج ۵: ۱)؛ دربای ← دروای^{۶۸} (ج ۳: ۱۵۳۳ [لی])؛ ربم آبه ← ربم آوه (ج ۴: ۲۰۲۹ [لن])؛
زبر ← زور (ج ۲: ۷۴۱ [مج])؛ شبان ← شوان (ج ۲: ۱۰۷۲ [لی])؛ شبانی ← شوانی^{۶۹} (ج ۲: ۱۰۴۹ [لن
و لی]؛ ج ۴: ۲۲۳۴ [لن])؛ شوربا ← شوروا^{۷۰} (ج ۱: ۲۳۷ [لن])؛ کابین ← کاوین^{۷۱ ۷۲} (ج ۳: ۱۵۱۱ [نخ])؛
کشتی بانان ← کشتی وانان (ج ۲: ۱۱۶۹ [لی])؛ مردم فریب ← مردم فریو (ج ۱: ۵۰۱ [لن])، ج ۳: ۱۹۵۱ [لن]؛
نردبان ← نردوان (ج ۳: ۱۶۸۳ [نخ]؛ ج ۳: ۱۸۵۰ [نخ]) .

/p/ ← /v/ | پ ← و

تپانچه ← توانچه^{۷۳} (ج ۱: ۲۸۰ [لن]) .

/x/ ← /ɣ/ | خ ← غ

خوشه ← غوشه^{۷۴} (ج ۴: ۲۰۸۰ [نخ حاشیة دست نویسی])؛

۶۴. نیز در: مجمل الأقوال فی حکم والأمثال (دمانسی سبواسی، ۱۳۸۱: ۲۳ ب. ۴۰ الف، ۶۹ ب)، ضیاء الشهاب (قضای، ۱۳۹۴: ۶۷۶، ۶۷۷)، و شرح تحفة الغرائب (حلیمی، دست نویس شماره ۱۱۲۰۳: ۱۹ الف).

۶۵. این دگرگشتگی در واژه های دیگر نیز به چشم می خورد؛ مانند «آبه» ← «آفه» و «اباختر» ← «افاختر» در نوشته های عربی ابوریحان بیرونی (Sadeghi, ۱۹۹۰: ۵۷). همچنین: فیهده (۸۴)، فیجاره (۴۶)، و فخشاینده (۳۶) در تفسیر قرآن موزة پارس (۱۳۵۵/۲۵۳۵).

۶۶. «فریباندن» در تفسیر قرآن پاک (۱۳۴۴: ۳۷) نیز به گونه «فریماندن» آمده است.

۶۷. نیز در: طبقات الصوفیه (انصاری هروی، ۱۳۶۲: ۴۰۳) و تفسیر سوره بقره (سورآبادی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۳۳۰۵ [ضبط نسخه لی]).

۶۸. نیز در: قرآن مترجم شماره ۹۹۹ (۶۲).

۶۹. نیز در: طبقات الصوفیه (انصاری هروی، ۱۳۶۲: ۳۷۶).

۷۰. نیز: «ترینه وا» (ج ۱: ۲۵۹) و «دوغوا» (ج ۱: ۳۲۹) در اسرار التوحید (میهنی، ۱۳۶۶).

۷۱. این واژه به گونه «کابین» نیز در سطر سبیین، در همین دست نوشت، به کار رفته است.

۷۲. نیز در: تراجم الاعاجم (غزنی، ۱۳۶۶: ۲۰۸) و «کاون» [= کاوین] در مصرحة الأسماء (حلیمی، دست نویس شماره ۱۳۸۲۴: ۲۴ الف).

۷۳. نیز در: تاج التراجم (اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۸۵؛ ج ۲: ۵۸۲).

۷۴. نیز در: تفسیر نسفی (نسفی، میکروفیلم شماره ۵۶۸۹: ۴۴ ب).

/d/ ← /t/ | د ← ت

خوش دارید ← خوش داریت (ج ۳: ۱۵۳۰ [نخ]); غم مخورید ← غم مخوریت (ج ۳: ۱۹۱۶ [نخ])
(حاشیه دست نوشت):
می دانید ← می دانیت (ج ۳: ۱۳۵۲ [ک]); مکنید ← مکنیت (ج ۳: ۱۴۱۴ [ک]); نبرید ← نبریت
(ج ۲: ۱۲۴۵ [مج]).

/r/ ← /l/ | ر ← ل

دیوار ← دیوال^{۷۵} (ج ۳: ۱۵۰۰ [لن]);
سوراخ ← سولاخ (ج ۲: ۱۰۸۰ [لی]).

/z/ ← /ʒ/ | ز ← ژ

بزه ← بژه^{۷۶} (ج ۲: ۱۲۵۶ [مج]);
خوش مزه ← خوش مژه^{۷۷} (ج ۳: ۱۷۸۹ [نخ]);
دوزخ ← دوژخ^{۷۸} (ج ۳: ۱۲۹۳ [لی]);
زنگ ← ژنگ^{۷۹} (ج ۳: ۱۵۳۲ [لی]).

/ʒ/ ← /dʒ/ | ژ ← ج

پیژمراند ← بیجمراند^{۸۰} (ج ۳: ۱۴۰۹ [لی]; ج ۳: ۱۴۴۵ [لی]);
پیژمرید ← بیجمرید (ج ۱: ۳ [قو]).

/s/ ← /ʃ/ | س ← ش

اسیر ← اشیر (ج ۱: ۳۱۵ [مج (حاشیه)]); انسان ← انشان (ج ۴: ۲۱۵۶ [نخ (حاشیه)]); بسنده ← بشنده (ج ۳: ۱۷۷۳ [نخ (حاشیه)]); بشناسد ← بشناشد (ج ۴: ۲۱۸۳ [نخ (حاشیه)]); پس ← پش (ج ۱: ۳۲۴ [مج (حاشیه)]); ج ۲: ۹۲۴ [مج (حاشیه)]; ج ۳: ۱۵۱۲ [نخ (حاشیه)]; سبب ← شبب

۷۵. نیز در: ترجمه قرآن موزه پارس (۱۳۵۵/۲۵۳۵: ۳۲۲). تفسیر قرآن پاک (۱۳۴۴: ۲، ۳۲). تفسیر طبری (ترجمه - دست نویس شماره ۱۲۲۱: ۵۳، یک، ۷۳ یک)، قرآن مترجم شماره ۴۶۵۱ (۳ ب) و (An eleventh- or twelfth-century Qur'an (Or 6573: f. 10v)).
۷۶. نیز در: ترجمه و قصه های قرآن (نیشابوری، ۱۳۳۸، ج ۱: ۴۱؛ ج ۲: ۱۱۱۹) و بخشی از تفسیری کهن (۱۳۵۱: ۱۵۵).
۷۷. نیز در: الاغراض الطیبه و المباحث العلائیه (جرجانی، ۱۳۴۵: ۲۳۹)، ورننامه (۱۳۸۸: ۵۲، ۱۵۹)، ذخیره خوارزمشاهی (جرجانی، ۱۳۵۵/۲۵۳۵: ۲۲)، قرآن مترجم شماره ۴۱۲ (۲۲۳)، قرآن مترجم شماره ۷۷ (۱۲۴ الف)، المصادر ابوبکر بستی (صادق، ۱۳۹۱: ۳۸)، بدایع الملح (خوارزمی، میکروفیلم شماره ۲۳۳۹: ۴۹)، ترجمه قرآن ماهان (۱۳۸۳: ۱۷۹).
۷۸. نیز در: ترجمه قرآن موزه پارس (۱۳۵۵/۲۵۳۵: ۱۰، ۲۵، ۳۰، ۳۸، ۵۳، ۶۶، ۷۷، ۸۴، ۱۲۱)، تفسیر قرآن پاک (۱۳۴۴: ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۳۰، ۵۸، ۵۹، ۸۶)، ترجمه قرآن شماره ۱۸۷۹ (۱۸۱، ۲۷)، چند برگ تفسیر قرآن عظیم (۱۳۵۱: ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۳۴، ۴۲، ۴۷، ۴۸)، سوره مائده از قرآن کوفی کهن (۱۳۵۰: ۶۷، ۷۶)، طبقات الصوفیه (انصاری هروی، ۱۳۶۲: ۶۶۰ [ضبط نسخه د]).
۷۹. نیز در: ضیاء الشهاب (قضاعی، ۱۳۹۴: ۶۰۲)، شرح شهاب الاخبار (میکروفیلم شماره ۷۰۳: ۴۰ الف)، مصرحة الأسماء (حلیمی، دست نویس شماره ۱۳۸۲۴: ۳۱ ب).
۸۰. در متن: بیجمراند

(ج ۲: ۷۹۵ [مَج (حاشیه)]:)؛ شایسته ← شایسته (ج ۲: ۸۰۹ [مَج (حاشیه)]:)؛ فرستادیم ← فرستادیم (ج ۴: ۲۱۱۰ [نَخ (حاشیه)]:)؛ گسسته ← گسسته (ج ۴: ۲۱۷۸ [نَخ (حاشیه)]:)؛ مسخرگی ← مسخرگی (ج ۴: ۲۱۲۴ [نَخ (حاشیه)]:)؛ می‌سگالند ← می‌سگالند^{۸۱} (ج ۴: ۲۱۳۹ [نَخ (حاشیه)]:)؛ ناخستون ← ناخستون (ج ۴: ۲۰۸۷ [نَخ (حاشیه)]:)؛ نرساند ← نرساند (ج ۳: [نَخ (حاشیه)]:)؛ همسایگی ← همسایگی (ج ۴: ۲۰۰۴ [نَخ (حاشیه)]:).

/ʃ/ ← /s/ | ش ← س

بشخشانند ← بشخشانند^{۸۲} (ج ۳: ۱۶۷۲ [نَخ (حاشیه)]:)؛ بیفشاند ← بیفشاند^{۸۳} (ج ۱: ۸۸ [لَن]:)؛ ج ۱: ۱۶۶ [لَن]:)؛ تشنگی ← تشنگی^{۸۴} (نیشابوری، دست‌نویس شماره ۱۲۲۵۱: ۲۳۷): شوی ← سوی (ج ۳: ۱۹۶۴ [نَخ و لَن]:)؛ فریشته ← فریسته^{۸۵} (ج ۲: ۱۱۵۹ [لی]:)؛ کاشکی ← کاسکی^{۸۶} (ج ۱: ۳۷۶ [مَج]:)؛ ج ۴: ۲۱۸۹ [لَن]:).

/n/ ← /y/ | ان ← ی

بازگونگی ← بازگونگی (ج ۱: ۱۷۹ [قو]):

بشنیدند ← بشنیدید (ج ۲: ۱۰۴۸ [مَج (حاشیه)]:)

روا ندیدند ← روا ندیدید (ج ۲: ۷۴۷ [مَج (حاشیه)]:).

/v/ ← /b/ | و ← ب

ورزیدن ← برزیدن (ج ۲: ۱۱۸۳ [لی]).

/væ/ ← /ho/ | و ← ه

نَوَزده ← نَهْزده (ج ۳: ۱۳۴۱ [نَخ]؛ ج ۴: ۲۰۶۶ [نَخ]؛ ج ۴: ۲۰۶۶ [نَخ]).

/h/ ← /x/ | ه ← خ

۸۱. آوای s در «سگالیدن» و مشتقات آن چندین بار در قصص الانبیا نیشابوری (۱۳۲، ۸۹، ۲۹۶) به ð بدل شده است (به نقل از حاجی‌سیدآقایی، ۱۳۸۹: ۳۸). افزون بر این، در دست‌نویس مرعشی و پاریس کتاب حقایق (۱۳۹۷)، متنی کهن از سده پنجم / ششم هجری نیز «شگالیدند» (۱۳۳) به کار برده شده است. در دست‌نویس چین این کتاب نیز «شگالند» (همان) به جای ضبط آشنای «سگالند» آورده شده است، که مصحح این کتاب (شمیسا، ۱۳۹۷) این ضبط را «املائی نسخه» (۱۳۳ [پانویس]) دانسته و به حاشیه‌اش برده است.

۸۲. نیز در: تفسیر قرآن کمبریج (۱۳۴۹، ج ۲: ۱۵۹).

۸۳. نیز: «فرود افساند» در (Or 6573: f. 25r (An eleventh- or twelfth-century Qur'an)).

۸۴. این نمونه هنگام خواندن دست‌نویس مجلس به دست آمد و بازبر به همان دست‌نویس است. مصحح، بدون دادن آگاهی، این ریخت را، در تصحیح، به «تشنگی» گردانده است.

۸۵. و نیز: «فریستگان» در قصص الانبیا نیشابوری (به نقل از حاجی‌سیدآقایی، ۱۳۸۹: ۹) و «فرستگان» در قصه سلیمان (ابویعقوب تبریزی، ۱۳۹۸: ۵۸ [حاشیه]).

۸۶. نیز در: ترجمه قرآن موزه پارس (۲۵۳۵ / ۱۳۵۵: ۸۳، ۱۲۷، ۱۶۸، ۱۸۹، ۴۲۱)، تفسیر قرآن پاک (۲: ۱۳۴۴)، تفسیری بر عشری از قرآن مجید (۱۳۵۲: ۴۵) و بدایع‌الملح (خوارزمی، میکروفیلم شماره ۲۳۳۹: ۱۲۴).

هسته ← خسته^{۸۷} (ج ۱: ۳۹۵ [قو]؛ ج ۲: ۷۷۰ [مج]).

/e:/ ← /en/، /æ:/ | ی ← ن

دانستید ← دانستند (ج ۲: ۹۷۱ [مج])؛ ساختید ← ساختند (ج ۲: ۹۸۲ [مج])؛ شما بودید ← شما بودند (ج ۳: ۱۵۸۸ [نخ] (حاشیه))؛ شما ندانستید ← شما ندانستند (ج ۳: ۱۸۱۱ [مج] (حاشیه))؛ شما ... نیستید ← شما ... نیستند (ج ۲: ۹۴۱ [مج] (حاشیه))؛ کشید ← کشند (ج ۲: ۱۱۲۲ [مج] (حاشیه))؛ گردانید (سوم شخص مفرد) ← گردانند (ج ۱: ۲۳۴ [مج] (حاشیه))؛ گیرید ← گیرند (ج ۲: ۹۷۲ [مج] (حاشیه))؛ مباشید ← مباشند (ج ۳: ۱۴۳۸ [نخ] (حاشیه))؛ می طلبندید ← می طلبندند (ج ۱: ۱۶۲ [مج] (حاشیه))؛ نمایند ← نمایند (ج ۲: ۱۰۲۳ [مج] (حاشیه))؛

تخفیف

/a:/ ← /æ/ | آ/ا ← َ

جایگاه ← جگاه^{۸۸} (ج ۴: ۲۰۲۳ [نخ] (حاشیه^{۸۹}))؛
خوابانیده ← خوابنیده^{۹۰} (ج ۳: ۱۵۹۱ [نخ]؛ ج ۳: ۱۶۳۷ [نخ])،
برادران ← بردران^{۹۱} (ج ۲: ۱۱۲۲ [مج])،
داستان ← دستان^{۹۲} (ج ۲: ۶۳۶ [مج]؛ ج ۳: ۱۶۲۰ [نخ] (حاشیه))،

/o:/ ← /o/ | و ← ُ

روز ← رز (ج ۲: ۱۱۱۱؛ ج ۳: ۱۴۹۴ [نخ] (حاشیه))؛
فروگذاشته ← فرگذاشته^{۹۳} (ج ۳: ۱۶۴۸ [نخ])^{۹۴}،

/e:/ ← /e/ | ی ← ِ

۸۷. نیز در: المصداق ابوبکر بستی (صادقی، ۱۳۹۱: ۴۴)، تفسیر قرآن کمبریج (۱۳۴۹، ج ۱: ۶۱۴)، مقامات حویری ترجمه فارسی (۱۳۶۵: ۲۳۸)، ملخص اللغات (خطیب کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۸، ۶۲، ۷۲، ۸۱) و لغت فُرس (اسدی، ۱۳۱۹: ۴۰۶ [بدل]).

۸۸. این واژه به گونه «بجگاه» [=به جگاه] در حاشیه آورده شده است و مصحح، در کنار این واژه، نشان پرسش نهاده است. تخفیف واکه بلند *ā* در واژه «جا» اکنون نیز در برخی بخش‌ها دیده می‌شود؛ برای نمونه، در گویش اردستانی (حسن دوست، ۱۳۸۹، ج ۲: ۵۹۳) و در طالقان (کیا، ۱۳۹۰: ۲۴۴) چنین است.

۸۹. «حاشیه»، در سراسر این نوشته، بدین معنا به کار برده شده است که آن واژه در دست‌نویس اساس بوده است؛ اما مصحح، به تصمیم خود، آن را به حاشیه برده و ضبطی از ضبط‌های دیگر دست‌نویس‌ها را در متن نشانده است.

۹۰. نیز: «خوابنیدند» در ترجمه تفسیر طبری (شماره عکس ۶۲۳: ۲۸۰ ب)؛ «چشم خوابنید» (۱۵۰)، «فروخوابنیده» (۱۹۶) و «چشم خوابنیدگان» (۳۲۴) در لغات قرآن خطی آستان قدس رضوی شماره ۴ با ترجمه فارسی کهن (رجائی، ۱۳۶۳).

۹۱. مصحح، خود، در متن، «ا» را افزوده است.

۹۲. مصحح، خود، در متن، «ا» را افزوده است.

۹۳. مصحح، خود، در متن، «و» را افزوده است.

۹۴. نیز: زُرفَت (۸۳)، فرخسبد (۶۱۲) و فرگذاشت (۳۳۳) در فرهنگ صحیفه العذراء (۱۳۷۳).

بترسید ← بترسد^{۹۵} (ج ۲: ۹۴۸ [بدل]); بفریمانید^{۹۶} ← بفرمانیده (ج ۲: ۵۷۸); توانستمی ← توانستمی^{۹۷} [=لَوِ اسْتَطَعْنَا] (ج ۲: ۷۰۹ [حاشیه]); خواهید ← خواهد (ج ۱: ۳۴۷ [بدل]); خویش ← خوش (ج ۳: ۱۸۹۵ [نخ [حاشیه])); فریمانید^{۹۸} ← فرمانید^{۹۹} (ج ۱: ۱۵۱ [مج و لن]); نویسنده ← نویسنده (ج ۳: ۱۴۵۹ [نخ]).^{۱۰۰}

اشباع

/æ/ ← /a:/ | َ ← /ā/

دستان ← داستان^{۱۰۱} (ج ۲: ۸۴۸ [مج]);
نردوان ← ناردوان (ج ۱: ۵۳۳ [لن]).

/o/ ← /ō/ | ُ ← و

دروغ ← دروغ (ج ۳: ۱۸۴۶ [نخ]).

قلب

/baesæ/ ← /saebæ/ | بَس ← سَب

نسبگان ← نسبگان (ج ۲: ۸۵۷ [مج]).

ادغام

/t.t/ ← /t/ | ات ← ت

زشت تر ← زشتر (ج ۲: ۱۱۹۵ [مج]).

/d.d/ ← /d/ | دد ← د

یاد دهی ← یادهی (ج ۴: ۲۱۴۷ [نخ]).

/r.r/ ← /r/ | رر ← ر

۹۵. شناسهٔ دوم شخص جمع در فارسی میانه «-ēd» است (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۴). از این روی، یای این شناسه مجهول است. در این نمونه، این یاء کوتاه شده است. نمونه‌ای از این تخفیف در نوشته‌ها: «شما دوستر دارید که خدمت شما بپرگرد (شما) و من جمله میراث؟» (سمرقندی، ۱۳۵۴: ۲۹).

۹۶. بفریمانید

۹۷. شناسهٔ اول شخص جمع در فارسی میانه در زمان ماضی «-hēm» (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۶) و در زمان مضارع «-ēm» است (همان: ۷۴); از این روی، یای این شناسه مجهول است. در این نمونه، این یاء کوتاه شده است. نمونه‌هایی از این تخفیف در نوشته‌ها: «طیبیان گفتند: هر آنچه دانستمی کردیم» (پند پیران، ۱۳۵۷: ۸۰); «اگر خواستمی» [=لَوِ اَرَدْنَا] (تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹: ۹۹); «نبرستیدمی» [=مَا عَبَدْنَا] (نیشابوری، ۱۳۳۸، ج ۱: ۵۱۶); «خواستمی» [=اَرَدْنَا] (همان، ج ۲: ۶۴۲); «بنمودمی» [=هَدَّيْنَا] (همان: ۱۳۹ [حاشیه]).

۹۸. فریمانید

۹۹. نیز: «مغریاد» در تفسیر قرآن کمبریج (۱۳۴۹، ج ۱: ۶۰۸).

۱۰۰. یاء در «خویش»، «فریب» و «نویس» نیز مجهول است.

۱۰۱. نیز: دستان کرد ← داستان کرد [=کَايَد] (الصحيفة العذراء، ۱۳۷۳: ۲۱۲).

در روی ← دروی (ج ۳: ۱۵۸۴ [نخ]);
نخارا ← نجارا (ج ۳: ۱۵۶۹ [نخ]);
یکدیگرا ← یکدیگرا (ج ۴: ۲۲۱۰ [نخ]).

/z.z/ ← /z/ | از ز ← ز

باز زدی ← بازدی (ج ۲: ۱۰۹۰ [مج]).

واژه‌های مشکولِ نادر

استاخ (ج ۳: ۱۳۸۳ [ک]), بیالد (ج ۳: ۱۹۱۵ [فا]), بیاید (ج ۱: ۷ [قو]; ج ۱: ۱۴ [قو]), پیژد^{۱۰۲} (ج ۴: ۲۲۰۲ [نخ]), بُرادر (ج ۲: ۱۱۱۶ [مج]), بیژدبار (ج ۲: ۸۵۱ [پار]), بژهکار [= بژه‌کار] (ج ۲: ۱۰۵۷ [مج] (حاشیه)), بهشتی (ج ۳: ۱۶۸۵ [نخ]), پندر (ج ۴: ۲۰۹۴ [نخ]), پیر^{۱۰۳} (ج ۳: ۱۵۴۲ [نخ]), پیری^{۱۰۴} (ج ۱: ۱۹۰ [قو]), پسرک^{۱۰۵} (ج ۲: ۸۴۵ [پار]), توانم کرد (ج ۱: ۱۸۲ [لن]), چگونَه (ج ۳: ۱۳۵۷ [ک]; ج ۳: ۱۳۷۰ [ک]), خزان [= خرها] (ج ۳: ۱۲۸۲ [لی]), خستو (ج ۳: ۱۹۷۷ [فا]), خشم^{۱۰۶} (ج ۴: ۲۰۴۱ [نخ]), دُپیر (ج ۱: ۱۴ [مج]), دزاز (ج ۱: ۳۹۳ [قو]), دُرفشیدن (ج ۱: ۳۴ [قو]), دِهیش^{۱۰۷} (ج ۴: ۲۰۶۲ [نخ]), زور [= زبر] (ج ۲: ۷۴۱ [مج]), سَپَر (ج ۲: ۶۵۲ [مج]), سَطبر (ج ۱: ۳۲۸ [مج]), سگالش (ج ۲: ۹۱۶ [مج]), سُوار^{۱۰۸} (ج ۳: ۱۴۸۸ [نخ]), گُسیستگی (ج ۳: ۱۴۵۷ [نخ]), گُسیسته (ج ۴: ۲۰۵۶ [نخ]), گیا^{۱۰۹} (ج ۱: ۱۸۸; ج ۲: ۸۲۴), بُبُشته (ج ۱: ۸۲ [مج]), نردوان (ج ۳: ۱۶۸۳ [نخ]), نیکوهید^{۱۱۰} (ج ۳: ۱۴۵۰ [نخ]), وُضَلت (ج ۱: ۳۵۷ [قو]), هُزینَه^{۱۱۱} (ج ۱: ۲۲ [قو]).

واکه میان‌هشته

باجبانان (ج ۱: ۱۴۸ [قو]);
بیژدبار (ج ۲: ۸۵۱ [پار]).

دیگر ویژگی‌های آوایی

«گذشتن» و مشتقات آن، در بیش‌تر کتاب، با دال نوشته شده‌است؛ مانند «درگذرد» (ج ۱: ۱۶)،

۱۰۲. بنگرید به پانویس واژه «بیر».

۱۰۳. در فارسی میانه: 65 (Mackenzie, 1986: parr).

۱۰۴. «پُر» در فارسی میانه: 69 (Mackenzie, 1986: purr).

۱۰۵. در فارسی میانه: 69 (Mackenzie, 1986: pular).

۱۰۶. در فارسی میانه: 94 (Mackenzie, 1986: xēšm).

۱۰۷. در فارسی میانه: dahišn (فره‌وشی، ۱۳۸۱: ۲۴۶).

۱۰۸. در فارسی میانه: asuwār (فره‌وشی، ۱۳۸۱: ۳۱۴).

۱۰۹. در فارسی میانه: giyā (Mackenzie, 1986: ۳۶).

۱۱۰. «نکوهیدن» در فارسی میانه: 60 (Mackenzie, 1986: nikōhīdan).

۱۱۱. در فارسی میانه: uzēnag (Mackenzie, 1986: ۸۵).

«گدشتگان» (ج ۱: ۲۰) و «راه‌گردیان» (ج ۱: ۱۹۵). چنانکه شمس قیس نوشته است «در زبان اهل غزنین و بلخ و ماوراءالنهر ذال معجمه نیست و جمله دالات مهمله در لفظ آرند» (به نقل از صادقی، ۱۳۸۰: ۲۶۰) و انتساب این ویژگی «به شرق ایران مسلم است» (همان).

«پذیرفتن» و مشتقات آن، مانند «پندپدیران» (ج ۲: ۸۴۰)، در بیش‌تر کتاب، با دال نوشته شده است، که مطابق تلفظ «padīraftan» فارسی میانه (۶۳: ۱۹۸۶، Mackenzie) است.

واژه «مژده» در یک نمونه، در یکی از دست‌نوشته‌ها، به گونه «مژدگ» در واژه «مژدگ‌دهان»^{۱۲} (ج ۲: ۹۴۸ [لن]) ضبط شده است، که همانند «muždag» پارسی است (۲۳۳: ۲۰۰۴، Durkin-Meisterernst) است.

فای اعجمی [B]، که همخوان سایشی دولبی واکدار است، چندین بار در دست‌نوشته فای، از جمله شش بار در واژه «زفان» (ج ۳: ۱۹۰۰ [حاشیه]؛ ج ۳: ۱۹۰۶ [حاشیه]؛ ج ۳: ۱۹۳۸ [حاشیه]؛ ج ۳: ۱۹۶۷ [حاشیه])، یک بار در واژه «افزونی» (ج ۳: ۱۹۱۵ [حاشیه]) و یک بار نیز در واژه «فام» (ج ۳: ۱۹۴۰ [حاشیه]) به چشم می‌خورد.

یکی از ویژگی‌های غالب دست‌نویس کتابخانه لیدن آن است که، در آن، «فرود»، همواره، بدون افتادگی /d/ پایانی، یعنی به گونه «فرو»، نوشته شده است؛ مانند: فرود افکن (ج ۳: ۱۳۳۰)، فرود افکنده‌ستی (ج ۲: ۱۱۹۲)، فرود بارانیدیم (ج ۳: ۱۳۵۳)، فرود فرستادندی (ج ۳: ۱۳۹۹)، فرود فرستادیم (ج ۲: ۱۲۵۸)، فرود ماند (ج ۳: ۱۲۸۱)، فرود مانید (ج ۲: ۱۲۵۹)، فرود نماندی (ج ۲: ۱۱۱۵)، فرود رفتندی (ج ۲: ۱۱۶۵)، فرودماندگی (ج ۲: ۱۱۰۳؛ ج ۲: ۱۱۰۴؛ ج ۳: ۱۲۸۷)، فرودمانده (ج ۳: ۱۴۱۸)، فرودمایه (ج ۳: ۱۳۱۸). این ویژگی در دو نمونه از دست‌نویس لن نیز دیده می‌شود: «فرود نگرد» (ج ۳: ۱۵۹۳) و «فرود نگرید» (ج ۳: ۱۵۹۳).

کتاب‌نامه

- آموزگار، زاله و تقضلی، احمد (۱۳۸۲). زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن. تهران: معین.
- ابن سوار البغدادی، اَبی‌طاهر أحمد بن علی (۲۰۱۰ م). المستنیر فی القراءات العشر. به تحقیق عثمان محمود غزال. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابویعقوب تبریزی، یوسف بن علی (۱۳۹۸)، قصه سلیمان (متنی کهن از حوزه زبانی آذربایجان)، به تصحیح علیرضا امامی و اردوان امیری‌نژاد، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.
- اسدی طوسی، ابومنصور علی بن احمد (۱۳۱۹). لغت فرس (با ملحقاتی چند). به تصحیح عباس اقبال. تهران: چاپخانه مجلس.

اسفراینی، شاهفور بن طاهر (۱۳۷۵). تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم. به تصحیح نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ مؤسسه نشر میراث مکتوب.

انصاری هروی، عبدالله بن ابومنصور هروی (۱۳۶۲). طبقات الصوفیه: تقریرات شیخ الاسلام ابواسمعیل عبدالله انصاری هروی. به تصحیح محمد سرور مولایی. تهران: توس.

بخشی از تفسیری کهن (۱۳۵۱). با یادداشتی از استاد مجتبی مینوی، با مقدمه و تصحیح محمد روشن. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

بخشی از تفسیری کهن به پارسی (حدود قرن چهارم هجری) (۱۳۷۵). به تحقیق و تصحیح مرتضی آیه الله زاده شیرازی. تهران: قبله با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب.

بنّا، احمد بن محمد (۱۴۰۷ هـ/ ۱۹۸۷ م). اتحاف فضلاء البشر بالقراءات الأربعة عشر. به تحقیق و مقدمه شعبان محمد اسماعیل. بیروت: عالم الکتب/ قاهره: مکتبه الکلیات الأزهریة.

پند پیران (۱۳۵۷). به تصحیح جلال متینی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ترجمه قرآن ماهان (۱۳۸۳). به تصحیح محمود مدبری. کرمان: دانشگاه شهید باهنر (کرمان).

ترجمه قرآن موزه پارس (۱۳۵۵/۲۵۳۵). به تصحیح علی رواقی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ترجمه تفسیر طبری [نسخه خطی]. کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. میکروفیلم شماره ۸۲۷ (شماره ۶۲۳۰ و ۶۲۳۱).

تفسیر طبری (ترجمه -) [نسخه خطی]. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. به شماره ۱۲۲۱. تفسیر قرآن پاک: قطعه‌ای از تفسیری بی نام به فارسی [چاپ عکسی] (۱۳۴۴). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

تفسیر قرآن کمبریج ↓

تفسیر قرآن مجید: نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج (۱۳۴۹). به تصحیح جلال متینی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

تفسیری بر عرش از قرآن مجید: نسخه محفوظ در کتابخانه موزه بریتانیا (۱۳۵۲). به تصحیح جلال متینی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

جرجانی، اسماعیل بن الحسن بن محمد (۱۳۴۵). الاغراض الطیبه و المباحث العالیه. به کوشش پرویز ناتل خانلری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

جرجانی، سید اسماعیل بن حسن (۱۳۸۱). یادگار: در دانش پزشکی و داروشناسی. به تصحیح مهدی محقق. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران: دانشگاه مگ‌گیل.

جرجانی، سید اسماعیل (۱۳۵۵/۲۵۳۵). ذخیره خوارزمشاهی (چاپ عکسی از زوی نسخه‌ای خطی)، به کوشش [علی اکبر] سعیدی سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

چند برگ تفسیر قرآن عظیم (۱۳۵۱). به کوشش مایل هروی. کابل: کتابخانه‌های عامه افغانستان.

حاجی سید آقایی، اکرم السادات (۱۳۸۷). «بررسی تحولات یک واژه فوت شده از فرهنگ‌های فارسی». نامه پارسی. سال ۱۳، شماره ۱ و ۲: ۷۵-۸۴.

حاجی سید آقایی، اکرم السادات (۱۳۸۹). «لزوم بازنگری در تصحیح قصص الانبیای نیشابوری». آینه میراث. سال هشتم، ضمیمه ۱: ۱-۱۱۱.

حسن دوست، محمد (۱۳۸۹). فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

حقایق: متنی از قرن پنجم یا ششم هجری قمری (۱۳۹۷). به تصحیح سیروس شمیسا. تهران: قطره.

حلیمی، لطف الله (۸۸۸ هـ.ق). مصرحة الأسماء [نسخه خطی]. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

دست‌نویس شماره ۱۳۸۲۴.

حلیمی، لطف‌الله (۹۷۲ ه.ق). شرح بحر الغرائب [نسخه خطی]. کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. دست‌نویس شماره ۱۱۲۰۳.

خطیب کرمانی، حسن (۱۳۶۲). ملخص اللغات. به تصحیح سید محمد دبیرسیاقی و غلامحسین یوسفی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

خوارزمی، قاسم بن حسین. بدایع الملح [نسخه خطی]. کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. میکروفیلم شماره ف ۲۳۳۹.

دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران. دمانیسی سیواسی، احمد بن احمد (۱۳۸۱). مجمل الاقوال فی الحکم و الامثال [نسخه برگردان]. برگرداننده ایرج افشار و محمود امیدسالار. تهران: طلایه.

رجائی، احمدعلی (۱۳۶۳). فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس رضوی شماره ۴ با ترجمه فارسی کهن. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

رواقی، علی (۱۳۵۹). «پیش‌گفتار». در: نیشابوری، معین‌الدین محمد بن محمود. تفسیر بصائر یمینی: بازمانده از قرن ششم هجری قمری (جلد اول). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

رواقی، علی (۱۳۹۸). «مقدمه». در: نیشابوری، محمد بن محمود. تفسیر بصائر یمینی. تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب.

سمرقندی، عمر بن حسن (۱۳۵۴). منتخب رونق المجالس و بستان العارفین و تحفة المریدین: بر اساس نسخه مورخ ۵۴۳ هجری. به تصحیح احمدعلی رجائی. تهران: دانشگاه تهران.

سورآبادی، ابوبکر عتیق (۱۳۳۸). ترجمه و قصه‌های قرآن از روی نسخه موقوفه به تربت شیخ جام مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری. تهران: دانشگاه تهران.

سورآبادی، عتیق بن محمد (۱۳۸۱). تفسیر سورآبادی (تفسیر التفاسیر). به تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: فرهنگ نشر نو.

سوره مائده از قرآن کوفی کهن (۱۳۵۰). به کوشش احمدعلی رجائی. مشهد: آستان قدس رضوی، سازمان امور فرهنگی و کتابخانه‌ها.

شرح شهاب‌الأخبار [نسخه خطی]. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. میکروفیلم شماره ۷۰۳۰.

شمیسا، سیروس (۱۳۹۷). [توضیحات تصحیح]. در: حقایق: متنی از قرن پنجم یا ششم هجری قمری. تهران: قطره.

شهاب‌الأخبار [نسخه خطی]. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. میکروفیلم شماره ۳۱۷۴.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۰). مسائل تاریخی زبان فارسی (مجموعه مقالات). تهران: سخن.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۳). «دو تحول آوایی در زبان فارسی (حذف و اضافه شدن صامت «ن» بعد از مصوت‌های بلند)». مجله زبان‌شناسی. سال ۱۹، شماره ۲: ۹۰-۱.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۴). «یک تحول آوایی دیگر زبان فارسی: فرآیند افزوده شدن صامت «ر» به بعضی از کلمات». مجله زبان‌شناسی. سال ۲۰، شماره ۱: ۱۶۰-۱.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۶). «تحول کلمات فارسی در دوره اسلامی». ادب پژوهی. سال ۱، شماره ۱: ۹-۱۵.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۹۱). «تحقیق در کتاب المصادر ابوبکر بُستی». آینه میراث. سال دهم. ضمیمه شماره ۲۳: ۱-۱۶۴.

الصحیفه العذراء: نقد و تحقیق در کتاب الصحیفه العذراء به همراه تصحیح قیاسی متن (۱۳۷۳). به کوشش نجفقلی جوکار (پایان‌نامه چاپ‌نشده). دانشگاه تهران.

غزنوی، احمد بن محمد (۱۳۶۶). تراجم الاعاجم: فرهنگ فارسی از واژه‌های قرآنی. به کوشش مسعود قاسمی و محمود

مدتبری. تهران: اطلاعات.

غزنوی، محمد بن موسی (۱۳۸۴)، مقامات زنده پیل، به تصحیح حشمت موید سنندجی، تهران: علمی و فرهنگی.

فروهوشی، بهرام (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی به پهلوی. تهران: دانشگاه تهران.

قاسمی، مسعود (۱۳۹۹)، «دستنویس کهن قابوس نامه و چاپ حروفی آن». گزارش میراث. سال سوم، شماره یکم و دوم: ۳۲-۴۶.

قرآن مترجم [نسخه خطی]. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. به شماره ۷۷.

قرآن مترجم [نسخه خطی]. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. به شماره ۴۱۲.

قرآن مترجم [نسخه خطی]. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. به شماره ۹۹۹.

قرآن مترجم [نسخه خطی]. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. به شماره ۱۸۷۹.

قرآن مترجم [نسخه خطی]. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. به شماره ۴۶۵۱.

قضای، محمد بن سلامه (۱۳۹۴)، ضیاء الشهاب: شرح فارسی شهاب الاخبار قاضی قضای. به تصحیح جویا جهانبخش، حسن عاطفی و عباس بهنیا. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

کیا، محمد صادق (۱۳۹۰)، واژه‌نامه شصت و هفت گویش ایرانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقامات حریری ترجمه فارسی (۱۳۶۵). به تصحیح علی رواقی. بی‌جا: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی.

میهنی، محمد بن منور (۱۳۶۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید. به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.

نسفی، نجم‌الدین عمر بن محمد، تفسیر نسفی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۵۶۵۹.

نیشابوری، محمد بن محمود (۱۳۹۸). تفسیر بصائر یمینی. به تصحیح علی رواقی. تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب.

نیشابوری، محمد بن محمود (۶۸۰ ه. ق). تفسیر بصائر یمینی [نسخه خطی]. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. دست‌نویس شماره ۱۲۲۵۱.

ورزنامه (۱۳۸۸). به تصحیح حسن عاطفی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

An eleventh- or twelfth-century Qur'an [manuscript] (11th century-12th century). The British Library. No. Or 6573.

Crowley, Terry (1992). An introduction to historical linguistics. Auckland, N.Z.: Oxford University Press.

Durkin-Meisterernst, Desmond (2004). Dictionary of Manichaean Texts: Volume III, I: Texts from Central Asia and China (Texts in Middle Persian and Parthian). Belgium: Brepols.

Mackenzie, D. N. (1986). A Concise Pahlavi Dictionary. Oxford: Oxford University Press.

Sadeghi, Ali-Ashraf (1990). «Some comments on Persian words used in Al-Bīrūnī's Arabic writings». In Acts of the International Symposium on Ibn Turk, Khwārezmī, Fārābī, Beyrūnī, and Ibn Sīnā (pp. 55-58). Ankara: Atatürk Culture Center Publications.